

## زیبایی‌شناسی تصاویر طنز بیدل و کلیم و انعکاس آن در هنر عصر صفوی

### چکیده

در عصر صفوی که یکی از درخشان‌ترین دوره های هنر ایرانی - اسلامی است، جریان‌های ادبی و هنری، روایت‌گری کامل از فرهنگ مردم آن روزگار است که افق‌های دید هنرمند را گسترش می‌دهد. ارتباط تنگاتنگ میان شعر و نقاشی ایرانی در این عصر و درهم تنیدگی شعر با طنز از ویژگی‌های بارز هنر این دوره است. از میان شاعران طنزپرداز معروف این دوره می‌توان به بیدل و کلیم اشاره کرد که مفاهیم طنزآمیز و انتقادی را با شگردهای هنری خاص خود آورده‌اند. مسئله‌ای که اینجا مطرح است زیبایی‌شناسی طنزهای موجود در آثار ادیبانی چون بیدل و کلیم و بازشناسی این زیبایی در هنر دوره صفوی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر در آمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که شاعران مذکور در ساختار طنزهای خود با زبان ادبی - هنری و با آگاهی از رموز بلاغت، کلام رندانه خود را در خطاب به اهل تفکر و تأمل سروده‌اند. از میان نقاشان معروف این عصر نیز می‌توان به کمال‌الدین بهزاد و رضا عباسی اشاره کرد که با نگرشی جدید به خلق نقاشی‌های پرمایه پرداخته‌اند. نقاشان نیز همانند شاعران طنزپرداز، مفاهیم و معانی جامعه پیرامون خود را با بیان زنده و جاندار که حاکی از تشخیص ویژه آنهاست، به‌خوبی تصویر کرده‌اند. همگامی و هماهنگی میان شعر و نقاشی را می‌توان در محافل اجتماعی آن روزگار بویژه در قهوه‌خانه دانست که با حضور اقشار مختلف مردم به طرح و نقد شعر و پیوند آن با نقاشی پرداخته‌اند.

### اهداف پژوهش:

۱. تبیین انگیزه شاعران از طرح مقوله‌های طنزآمیز در خلال آثارشان.
۲. بازشناسی انعکاس فرهنگ مردم عصر صفوی در شعر و نقاشی‌های آن دوره.

### سوالات پژوهش:

۱. بیدل و کلیم از عناصر بلاغی چگونه در طنزهای خود بهره جستند؟
  ۲. آیا نقاشی‌های عصر صفوی توانسته است بازتاب دهنده فرهنگ مردم آن روزگار باشد؟
- کلیدواژه‌ها:** نقاشی، بیدل، کلیم، طنز، دوره صفوی.

## مقدمه

آثار ادبی- هنری در هر دوره‌ای به‌منزله آیینۀ تمام نمای فرهنگ آن دوره است که از فرهنگ مردمان آن عصر تأثیر پذیرفته و افق فرهنگی آن روزگار را تصویر می‌کند. به همین دلیل هنرمند شاعر یا نقاش با الهام گرفتن از جریانات زمانۀ خود بر مبنای صور خیال خویش، عناصر تصویری را برگزیده و با یافتن معنای تازه و افق‌های جدید، مسیر کامل را می‌پیماید. این حرکت که در تکامل تاریخی هنر ایران به خوبی دیده می‌شود، در سیر تاریخی خویش از مکتب قهوه‌خانه‌ای عصر صفوی تأثیر پذیرفته است. در بررسی ویژگی‌های مشترک میان هنرهای عصر صفوی، انتخاب یک هنر به عنوان پایه و اساس دیگر هنرها حائز اهمیت است. شعر و به طبع آن طنز به دلیل تشکیل شدن از زبان و انتقال مفاهیم از طریق آن، بستر مناسبی برای رشد و تعالی دیگر هنرها بویژه نقاشی فراهم آورده است. شاعر سبک هندی، زمینی فکر می‌کند و آرمان خود را در دنیای واقعی می‌جوید. بنابراین اساس این پژوهش در بررسی ویژگی‌های بلاغی طنز شاعران عصر صفوی و تبیین و تفسیر آن و وجوه اشتراک آن با نقاشی‌های آن دوره به‌عنوان یکی از هنرهای شاخص آن روزگار مورد بررسی قرار می‌گیرد. ویژگی‌های عمده این نقاشی‌ها، همان لذت حاصل از تکنیک‌گرایی و توجه بیش از حد به ثبت لحظه‌های آنی از محیط و پیرامون است. این ویژگی در نقاشی بیش از هر چیز با غلبۀ خط بر رنگ آشکار است. رنگ در دورۀ قبل از صفویه، نقش بسیار تعیین‌کننده و به عنوان کمال مهارت به شمار می‌رفت. در نقاشی ایرانی تا قبل از دورۀ صفوی، رنگ‌هایی درخشان، موزون، هماهنگ و گاهی پرتضاد به کار گرفته شدند و اساساً رنگ در نگارگری ایرانی نقش اساسی داشت.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال آثار متعددی به بررسی آثار بیدل دهلوی و کلیم کاشانی پرداخته‌اند. کریمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «عناصر طبیعی و بصری در غزلیات بیدل دهلوی» به بررسی زیبایی‌شناسی در غزلیات بیدل دهلوی پرداخته‌اند. نویسندگان در اثر خود به این موضوع کاربست عناصر فولکوریک در غزلیات بیدل اشاره کرده‌اند. عباسی و خوش‌بیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «زیبایی‌شناسی عزل کلیم کاشانی» به بررسی عوامل زیبایی‌آفرین در شعر او پرداخته‌اند.

از آنجا که شناخت مضامین اشعار و طنز بیدل دهلوی و کلیم کاشانی، رمز ورود به جهان اندیشه آنان است و وجود مضامین انتقادی بیانگر نوع فرهنگ و هنر در اجتماع عصر صفوی می‌باشد، روشن است که بررسی هنر عصر صفوی؛ چه در شعر و چه در نقاشی، ما را به هدف مشترک این هنرها نزدیک می‌کند و تأثیر پیوند میان شعر و نقاشی را بر جامعه عصر صفوی آشکار می‌سازد. جستار حاضر با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است.

## نتیجه‌گیری

تلاش بیدل و کلیم در زمینه خلق طنزهای هنرمندانه و رونق بخشیدن به مضمون آفرینی و توجه بیش از حد به عنصر خیال و یاری طلبیدن از عناصر بلاغی و صورخیال برای سرودن اشعار طنزآمیز، در سبک هندی بیش از دیگر ادوار شعر فارسی متداول بوده است و تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، مفاهیم انتقادی را به زبان طنز مطرح کرده و به نکوهش اوضاع نابسامان عصر خود پرداخته‌اند. طنزهای بسیاری در اشعار این دو شاعر معروف سبک هندی وجود دارد که صورخیال و مفاهیم بلاغی نقش ویژه‌ای در برجسته کردن آن داشته‌است. این شاعران با به کارگیری این شگردهای ادبی، به طنزهای خود اعتبار بخشیده و گیرایی و تأثیر آن را در فکر و اندیشه مخاطب دو چندان کرده‌اند. زمانی که شرایط جامعه عصر صفوی، امکان بیان صریح و شفاف را از منتقدان گرفته و عنوان کردن بی‌رسمیها و نابرابریها به نوعی تابو محسوب می‌شده‌است، این شاعران طنزپرداز آن روزگار بوده‌اند که مشکلات زمانه خود را به هنر طنز و در پوشش عناصر بلاغی همراه با بیان انتقادآمیز مطرح کرده‌اند تا علاوه بر اینکه مطلب خود را ظریفتر بیان کرده باشند، از سوءظن و خرده‌گیری نیز در امان بمانند. در میان عناصر بلاغی که این دو شاعر در پردازش طنزهای خود استفاده کرده‌اند در متن به آنها اشاره کرده‌ایم. تحولات اجتماع عصر صفوی، راهی برای نفوذ فرهنگ عامه به شعر و نقاشی می‌گشاید. دگرگونی سیمای شهری و بهبود اوضاع اقتصادی با خود نگرانی‌هایی برای مردم ایجاد می‌کند. مقایسه شعر و نقاشی این دوره بازتاب شرایط اجتماعی و اوضاع حاکم بر آن است که در کار شعر و نقاشی به بهترین نحو بیان می‌شود و در حقیقت سرچشمه هر نوآوری را می‌توان در اوضاع اجتماعی آن دوره جستجو کرد. این دگرگونی در بینش و زندگی مردم، بر هنرمندان و شاعران نیز تأثیر می‌گذارد و ابتکار و تجدد را با خود به همراه می‌آورد به این ترتیب دنیای آرمانی نقاشی ایرانی، دستخوش تغییر و دگرگونی می‌شود. شعر عرفانی نیز در نتیجه آمیختگی با زندگی روزمره کم‌رنگ می‌گردد و در مواجهه با غزل‌ها و مضامین جدید کم‌کم به حاشیه رانده می‌شود.

## منابع:

آرتور، پلارد. (۱۳۸۱). طنز، ترجمه سعید سعیدپور، تهران: مرکز.

آرین‌پور، یحیی. (۱۳۸۷). از صبا تا نیما، تهران: زوار.

آزند، یعقوب. (۱۳۸۵). تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

آزند، یعقوب. (۱۳۷۹). «شکل‌گیری شیوه صفوی»، سایه طوبی (مجموعه مقالات اولین همایش دو سالانه بین‌المللی جهان اسلام)، تهران فرهنگستان هنر، صص ۱۲۵ - ۱۴۳.

آیت اللهی، حبیب .... (۱۳۸۵). «رضا عباسی نقاش توجیه گر چهره زمان»، از مجموعه مقالات نگارگری مکتب اصفهان، تهران، فرهنگستان هنر، صص ۲ - ۲۱.

اشرفی، م.م. (۱۳۸۴). سیر تحول نقاشی ایرانی، ترجمه زهره فیضی، تهران: فرهنگستان هنر.

بهرامی نژاد، فاطمه؛ کابلی، محمد هادی. (۱۳۹۸). «مهندسی فرهنگی در شکل گیری الگوی معماری اسلامی»، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۳۶، صص ۲۷-۴۶.

بهبادی اندوهجردی، حسین. (۱۳۷۸). طنزآوران امروز ایران، تهران: داستان.

بیدل دهلوی، عبدالقادر. (۱۳۸۹). ۵ جلد، تصحیح خان محمد خسته و خلیل الله خلیلی، به کوشش بهمن خلیفه بناروانی، تهران: طلایه.

پاکباز، روئین. (۱۳۸۴). دائرةالمعارف هنر، چ ۴، تهران: فرهنگ معاصر.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۸۳). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، چ ۳، تهران: زرین و سیمین.

خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۸۰). حافظنامه، تهران: سروش.

دوستی، محمدحسین؛ فرخزاد، ملک محمد و حیدری نوری، رضا. (۱۳۹۸)، «شادمانی در غزلیات سعدی و انعکاس آن در نگارگری ایرانی»، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۳۶، صص ۴۶ - ۶۳.

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۴). «طنز چیست و طنز نویس کیست؟»، مجله قند پارسی، ش ۷، صص ۱۳۹-۱۵۸.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۳). «هنر طنز و قلمرو آن»، مجله قند پارسی، ش ۶، صص ۷۰-۹۱.

رازی، شمس قیس. (۱۳۶۰). المعجم فی معاییر الاشعار العجم، تصحیح محمدتقی مدرس رضوی، تهران: زوار.

رستگار فسایی، منصور. (۱۳۸۹). انواع نثر فارسی، تهران: سمت.

سرخه، مریم، حسینزاده؛ قشلاقی، سارا. (۱۳۹۶). «عوامل فرهنگی موثر بر دگرگونی نقش مایه های انسانی در پارچه های دوره های صفوی و اول قاجار»، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۲۸، صص ۲۱ - ۴۱.

شاد قزوینی، پریسا. (۱۳۹۰). «تغییر شیوه نگارگری در دوره شاه عباس اول»، مجموعه مقالات نگارگری در مکتب اصفهان، صص ۱۴۶ - ۱۶۴.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۵). شاعر آینه‌ها، تهران: آگاه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). صور خیال در شعر فارسی، تهران: آگاه.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). موسیقی شعر، تهران: آگاه.

علوی مقدم، محمد؛ اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۶). تهران: سمت.

عرب خزائلی، علی؛ روحانی، مسعود و غنی‌پور، احمد. (۱۳۹۸). «نمادها و نقش مایه های کهن الگویی اسطوره های مذهبی در اشعار سیاوش کسرایی و سیمین بهبهانی»، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۳۶، صص ۱۰۱-۱۲۸.

فشارکی، محمد. (۱۳۸۹). نقد بدیع، تهران: سمت.

کریمی‌نیا، مرتضی؛ جمالی، شهرروز و مرادی، سیاوش. (۱۳۹۸). «عناصر طبیعی و بصری در غزلیات بیدل دهلوی»، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۳۶، صص ۲۹۶-۲۷۹.

کریچلی، سیمون. (۱۳۸۴). در باب طنز، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.

کلیم کاشانی، ابوطالب. (۱۳۷۵). تصحیح محمد قهرمان، مشهد: آستان قدس رضوی.

معمارزاده، محمد. (۱۳۸۵). «سبک هندی و مکتب اصفهان»، فصلنامه مطالعات هنرهای تجسمی، ش ۱، صص ۵۷ - ۷۶.

معین‌الدینی، محمد؛ عصار کاشانی، الهام. (۱۳۹۲). «سیر تحول زیبایی‌شناسی طبیعت در تک نگاره های مکتب اصفهان»، جلوه هنر، شماره ۹، صص ۹۰-۷۷.

موسوی گرمارودی، سیدعلی. (۱۳۸۰). درآمدی بر طنز و هزل و هجو در تاریخ معاصر، تهران: موسسه مطالعات تاریخ ایران.

نیکویی، مژگان و دیگران. (۱۳۹۸). «تطبیق مفهومی نماد ماهی در اساطیر، قران و مثنوی و معنوی و کاربرد آن در آثار هنری»، نشریه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی، ش ۳۶، صص ۲۵۹-۲۶۸.

وحیدیان کامیار، محمدتقی. (۱۳۹۴). بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی، تهران: سمت.